

بهره‌گیری از تحقیق و فناوری

دورکن مهم در امر آموزش

اشاره

آموزش و پرورش نهادی است که مردم جامعه انتظارات زیادی از آن دارند؛ نهادی که باید نسل آینده را تربیت کند و به آن‌ها آموزش دهد. در واقع بنیان توسعه هر جامعه از آموزش و پرورش و مدارس شروع می‌شود و انتظار می‌رود به این منظور معلمان توانمندی داشته باشیم تا بتوانند دانش‌آموزان خلاق، توانمند و مسئولی تربیت کنند. اما وضعیت فعلی آموزش و پرورش به ما چه می‌گوید؟ چند درصد معلمان در امر تحقیق، ترجمه و تألیف کتاب و نوشتن مقاله شرکت دارند؟ آیا دانش‌آموزان مدارس آموزش‌های لازم را می‌بینند؟

مدارس معلمی بخواهد از نرم‌افزار «گوگل ای‌رث» استفاده کند و مثلاً وضعیت جغرافیای ایران را توضیح دهد، یا رایانه‌ها جواب‌گو نیستند، یا اینترنت مشکل دارد و یا همکاران اطلاعات و آگاهی لازم را از نرم‌افزار موردنظر ندارد. چنین واقعیت‌هایی برای نهادهای دیگر ممکن است زیاد ایراد نداشته باشد، اما برای آموزش و پرورش مایه تأسف است.

مسئولان آموزش و پرورش از هوشمندسازی مدارس می‌گویند، اما واقعیت مدارس به ما چه می‌گوید؟ ما چه تعریفی از هوشمندسازی داریم؟ آیا اگر چند رایانه قدیمی به هم شبکه شدند و چند پروژکتور نصب شد، مدرسه هوشمند می‌شود؟

به نظر می‌رسد مدارس ما به علل فراوان با رشد فناوری‌های نوین هم‌راستا نیستند و آموزش و پرورش نمی‌تواند افراد آگاه و فرهیخته‌ای را برای جامعه تربیت کند که خروجی آن بتواند بنیان‌های جامعه را متحول کند. مشکل معلم ما در آموزش و پرورش حقوق و مزایا نیست، مشکل پذیرفتن مسئولیت و تعهد حرفه‌ای است برای معلمان مسئول و متعهد حقوق کم و زیاد تفاوت کار ایجاد نمی‌کند.

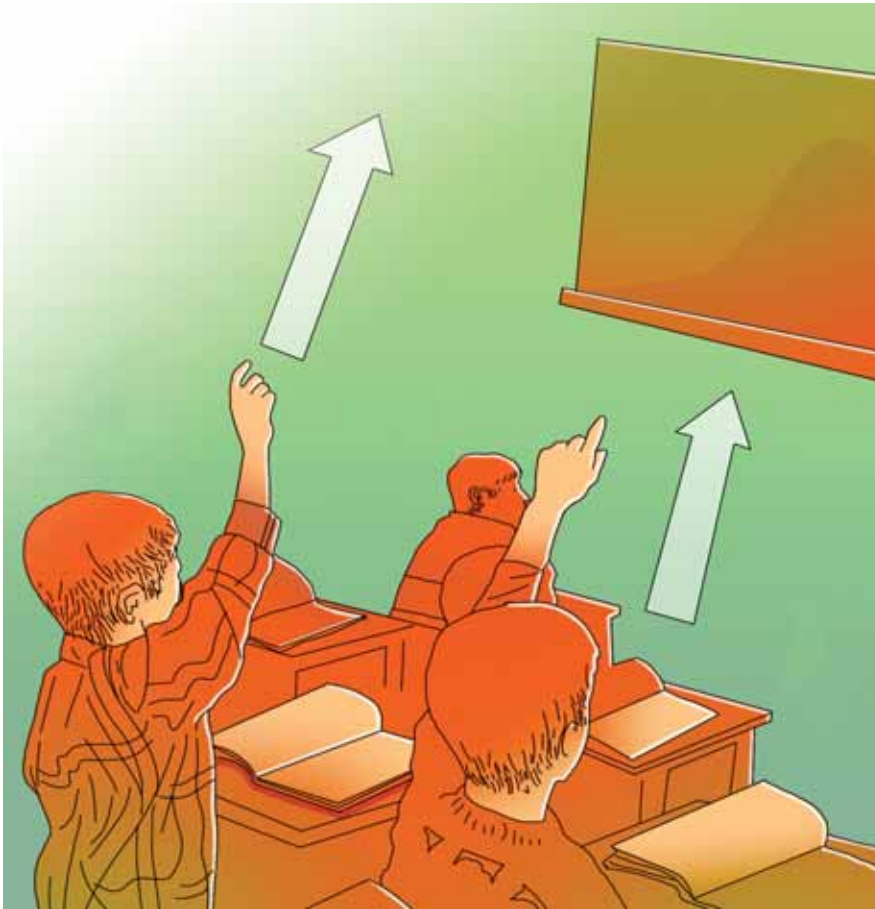
تولید محتوای الکترونیکی صحبت می‌شود. راستی چند درصد ما تولید محتوا داریم؟ آیا اصلاً مفهوم تولید محتوا را می‌دانیم؟ با این اوصاف تحقیقات علمی و میدانی هم جای خود دارد.

سال‌هاست برخی از آزمایشگاه‌های مدارس فعال نیستند و هیچ نیرویی برای مدیریت و راه‌اندازی آن‌ها گمارده نمی‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان از ما می‌پرسند آقا ما را به آزمایشگاه نمی‌برند؟

مشکل بزرگ دیگر این است که مدارس از نظر فناوری‌های جدید نسبت به نهادهای دیگر عقب مانده‌اند.

رایانه‌های بیشتر مدارس دولتی به هفت یا هشت سال قبل تعلق دارند و پاسخ‌گوی نرم‌افزارهای جدیدی که سرعت بالای «سی پی یو» و گرافیک بالا را می‌طلبند، نیستند. اگر در این

هر سال به مناسبت‌های متفاوت بخش‌نامه‌هایی به مدارس فرستاده می‌شوند و به این وسیله از معلمان و دانش‌آموزان خواسته می‌شود درباره موضوعات موردنظر مقالاتی بنویسند. اما کمتر معلم و دانش‌آموزی پیدا می‌شود که انگیزه کافی برای نوشتن مقاله از خود نشان دهد. کسانی هم که در این امر شرکت می‌کنند، گمان می‌کنند مقاله‌نویسی یعنی جمع‌آوری کورکورانه مطالب از اینترنت و پشت سر هم قرار دادن آن‌ها. بدون ذکر منابع و بدون رعایت اصل امانت‌داری و اخلاق‌مداری. گویا امانت و اخلاق اصلاً معنی ندارد. واقعیت این است که بین معلمان ما کمتر کسی می‌داند که مقاله استاندارد باید چگونه نوشته شود. وقتی از مقالات ISI صحبت می‌شود، بیشتر معلمان از آن سر در نمی‌آورند. امروزه در آموزش و پرورش از



مسئولان آموزش و پرورش از هوشمندسازی مدارس می‌گویند، اما واقعیت مدارس به ما چه می‌گوید؟ ما چه تعریفی از هوشمندسازی داریم؟ آیا اگر چند رایانه قدیمی به هم شبکه شدند و چند پروژکتور نصب شد، مدرسه هوشمند می‌شود؟

است. اما غالباً به علل فراوانی طرح‌ها خوب اجرا نشده‌اند و در نهایت بیشتر آن‌ها به شکل بخش‌نامه‌ای و تجویزی اجرا می‌شوند.

آخرین تلاش‌های امیدوارانه به پیدایش «سند تحول بنیادین» انجامیدند که امیدواریم این سند بتواند آموزش و پرورش ما را از معضلات نجات دهد. به نظر نویسنده، مسائل آموزش و پرورش پیچیده‌تر از آن هستند که بخواهیم به این زودی موفقیت را پیش‌بینی کنیم. اما نباید ناامید شد.

* منبع
 صفیری‌راد، فاطمه (۱۳۹۱).
 تحقیق و پژوهش کارآمد.
 مهتاب، تهران.

به نظر می‌رسد آموزش و پرورش در اینکه به افراد جامعه بفهماند تمام بنیان‌های جامعه متری بر دوش آموزش و پرورش است، کوتاهی کرده است. همچنین، نتوانسته است افراد فرهیخته و هوشمندی تربیت کند که بتوانند نظام آموزش و پرورش را تقویت کنند. شاهد مثال می‌تواند نوع قانون‌گذاری‌ها و تصمیمات مسئولان آموزش و پرورش در گذشته باشد.

ما طرح‌ها و برنامه‌های زیادی داریم که در آموزش و پرورش متولد شده‌اند و اهداف اغلب آن‌ها متعالی

ما در آموزش و پرورش به مسئولان هوشمند، باسواد و باانگیزه نیاز داریم تا توانایی درک و حل معضلات آن را داشته باشند. به نظر بنده ما به یک تیم جوان باانگیزه هوشمند و باتجربه علمی-آموزشی نیاز داریم.

واقعیت این است که تنها چیزی که در مدارس به چشم نمی‌خورد رویکرد علمی و تحقیقی است. کتاب‌ها همان‌طور که هستند تدریس می‌شوند و زمان به سرعت سپری می‌شود. معلم گاه فرصت رسیدگی به کارهای معمول خود را هم پیدا نمی‌کند، چون حجم زیادی کار در محدوده زمانی کوتاهی گنجانده شده است. این در حالی است که بیشتر معلمان شیفت بعدازظهر بیکار هستند و مدارس هم در شیفت بعدازظهر خالی‌اند و هیچ استفاده‌ای از آن‌ها نمی‌شود. شاید به خاطر این است که ما اصرار نداریم پژوهش و محیط تحقیقات علمی داشته باشیم و فرهنگ جامعه را ارتقا دهیم. شاید هم می‌خواهیم معجزه کار خود را انجام دهد و از این دانش‌آموزان طلبکار و راحت‌طلب و شلوغ اعجوبه‌هایی درست شوند که آینده درخشانی داشته باشند! بسیاری از افراد آگاه از مسائل حوزه آموزش و پرورش می‌گویند جامعه ما به درجه‌ای از کمال نرسیده است که درک کند، برای امر آموزش و پرورش باید اهتمام جدی نشان بدهد. برای همین است که گروهی معتقدند، آموزش و پرورش مصرف‌کننده است نه تولیدکننده. و هنوز متوجه نیستند که ارزش کار تدریس را نمی‌شود با کار یدی و مشاغل دیگر برابر دانست و با آن‌ها مقایسه کرد.